



خدا حافظ ای ماه نردیگی پر آرزو و نا
خدا حافظ ای ماه مهمانی حق تعالی
خدا حافظ ای دوری و سختی و چالاکه
خدا حافظ ای پشیمانی ماه الله

حلول ماه شوال و عید فطر بر مسلمانان تهنیت باد

خصوصیات امام صادق علیه السلام

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود. مرد علم و دانش بودنش را همه شنیده‌اید. محفل درس امام صادق (ع) و میدان آموزشی که آن بزرگوار به وجود آورد، هم قبل از او و هم بعد از او در تاریخ زندگی امامان شیعه بی نظیر بود. همه‌ی حرفهای درست اسلام و مفاهیم اصیل قرآن که در طول یک قرن و اندی به وسیله‌ی مغرضان و مفسدان یا جاهلان تحریف شده بود، همه‌ی آنها را امام صادق (ع) به شکل درست بیان کرد. اما مرد مبارزه بودنش را کمتر شنیده‌اید. امام صادق (ع) مشغول یک مبارزه‌ی دامنه‌دار و پیگیر بود. مبارزه برای قبضه کردن حکومت و قدرت و به وجود آوردن حکومت اسلامی و علوی. یعنی امام صادق (ع) زمینه را آماده می‌کرد تا بنی‌امیه راز بین ببرد و به جای آنها حکومت علوی را که همان حکومت راستین اسلامی است بر سر کار بیاورد. اما آن بعد سوم را که اصلاً نشنیده‌اید، مرد تشکیلات بودن امام صادق (ع) است که یک تشکیلات عظیمی از مؤمنان خود از طرفداران جریان حکومت علوی در سراسر عالم اسلام از اقصای خراسان و ماوراءالنهر تا شمال آفریقا به وجود آورده بود. تشکیلات یعنی چه؟ یعنی این که وقتی امام صادق (ع) اراده می‌کند آن چه را که او می‌خواهد بدانند، نمایندگان او در سراسر آفاق عالم اسلام به مردم می‌گویند تا بدانند. یعنی از همه جا وجوهات و بودجه برای اداره‌ی مبارزه‌ی سیاسی عظیم آل علی جمع کنند. یعنی وکلا و نمایندگان او در همه‌ی شهرها باشند که پیروان امام صادق (ع) به آنها مراجعه کنند و تکلیف دینی و همچنین تکلیف سیاسی خود را از آن حضرت بپرسند. تکلیف سیاسی هم مثل تکلیف دینی واجب‌الاجرا است. امام صادق (ع) یک چنین تشکیلات عظیمی را به وجود آورده بود و با این تشکیلات و به کمک مردمی که در این تشکیلات بودند با دستگاه بنی‌امیه مبارزه می‌کرد. در هنگامی که پیروزی او بر بنی‌امیه حتمی بود، بنی‌عباس به عنوان یک جریان مزاحم و فرصت طلب آمدند، میدان را گرفتند و بعد از آن امام صادق (ع) هم با بنی‌امیه و هم با بنی‌عباس مبارزه کرد.



موسسه قرآن و عترت اسوه زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با شماره ثبت ۳۰۳۶۲ فعالیت می نماید.



امام صادق علیه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ صِحَّةَ مَا عِنْدَ أَخِيكَ فَأَغْضِبْهُ فَإِنَّ ثَبَّتَ لَكَ عَلَى الْمَوَدَّةِ فَهُوَ أَخُوكَ وَالْإِلَّا فَلَا.

چون خواستی سلامت نفس برادرت را

دریابی، او را به خشم آور. اگر در رفاقت

با تو استوار ماند، او برادر تو است، وگرنه

برادرت نیست .

تحف العقول ص ۳۵۷

تیر مهم ترین مطالب

- ۱..... خصوصیات امام صادق(ع)
- ۲..... پانزده خرداد
- ۴..... دانستنیهای غذا
- ۶..... شهید مجید قربانخانی
- ۸..... اتحاد سلفی ها
- ۱۰..... حضرت ام البنین
- ۱۱..... چهره های قرآنی



پانزده خرداد در کلام امام خمینی:

پانزدهم خرداد را بشناسید و مقصد پانزده خرداد را بشناسید و کسانی که پانزده خرداد را بوجود آوردند بشناسید و کسانی که پانزده خرداد را دنبال کردند بشناسید و کسانی که از این به بعد امید تعقیب آنها هست بشناسید و مخالفین پانزده خرداد و مقصد پانزده خرداد را بشناسید .

پانزده خرداد از همین مدرسه شروع شد . عصر عاشورا در همین مدرسه اجتماع عظیم بود و بعد از اینکه صحبت‌هایی و افشاگری‌هایی شد، دنباله آن منتهی به پانزده خرداد شد . پانزده خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به میدائیت اسلام و راهنمایی روحانیت و همین جمعیت‌ها که الآن اینجا هستند، اینها بودند که ۱۵ خرداد را بوجود آوردند . همین جمعیتی که مقصدی غیر از اسلام ندارد، در تعقیب ۱۵ خرداد تا حالا دنباله کردند . از همین جمعیت که مقصدی غیر از اسلام ندارد امید آن است که تعقیب کنند و نهضت ما را به ثمر برسانند. ۱۳۵۸/۳/۱۵

سایت جماران



۱۵ خرداد: عید سعید فطر / قیام

خونین ۱۵ خرداد

۵ شوال: ورود جناب مسلم ابن عقیل
به کوفه۲۰ خرداد: شهادت آیت الله سعیدی به
دست ماموران ستم شاهی پهلوی۲۶ خرداد: شهادت سربازان دلیر
اسلام: بخارایی ، امانی ، صفار هرندی

و نیک نژاد ،

۱۵ شوال : شهادت حضرت حمزه /
وفات حضرت عبدالعظیم حسنی۳۰ خرداد: شهادت زائران حرم رضوی
علیه السلام به دست ایادی آمریکا۳۱ خرداد / ۱۷ شوال : شهادت دکتر
مصطفی چمران / غزوه خندق۷ تیر / ۲۴ شوال : شهادت مظلومانه
آیت الله دکتر شهید بهشتی و ۷۲ تناز یاران امام خمینی (رحمه الله علیه)
۲۵ شوال: سالروز شهادت حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام

آثار اجتماعی تکبر

یکی از آثار این صفت مذموم به دست نیاوردن آن چیزی است که به خاطر آن انسان به دام تکبر می افتد؛ و آن بزرگ شدن در جامعه است. تکبر نه تنها سبب بزرگ شدن انسان نمی شود، بلکه برعکس انسان را نزد دیگران بی مقدار می کند. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «تکبر صفتی هلاک کننده است که هر کس بخواهد با آن بزرگ شود، برعکس کوچک خواهد شد.»

این سخن امیر همه مومنان علیه السلام است که یک هفته پس از رحلت رسول خدا صلی ... علیه در یک سخنرانی عالی ضمن یک سلسله نکات اخلاقی به آثار معکوس تکبر اشاره فرمودند: «کسی که به مردم تکبر کند، ذلیل می شود.» و در ادامه همین خطبه می فرمایند: «کسی که تکبر بورزد، حقیر می شود.» شما این کلام حضرت را بپذیر؛ بعد اینکه چگونه با آن همه تدبیری که انسان متکبر به کار می بندد، ولی باز هم نتیجه نمی گیرد و بالاخره با بهانه ای حقیر می شود، این را به خدا واگذار کن. خدا می داند چگونه این کار را انجام دهد!

رهایی از تکبر پنهان / علیرضا پناهیان

او هم منتظر امر خداست

گویا حضرت عجل ... تعالی فرجه الشریف از ما می خواهد که اعتکاف و توسل و دعاهایمان برای خصوص فرج و ظهور آن حضرت واقع شود ولی ما به او خطاب می کنیم که: «عالم ز دست رفت، تو پا در رکاب کن.» و یا می گوئیم: «ای یوسف زهرا، بیا.» غافل از اینکه او هم از خدا می خواهد که بیاید. مگر آمدن او به دست اوست که از او می خواهیم از زندان بیرون بیاید؟ بلکه همه باید از خدا بخواهیم تا اذن دهد او ظهور نماید. خود او هم منتظر امر خدا و الهامات خداست، تا ظهور کند.

در محضر بهجت / محمد حسین رخشاد

زن ایده آل و نمونه

خانواده
نمونه



اسوه

۳

اردیبهشت - خرداد ۱۳۹۸
سال ششم - شماره ۷۴
www.osveh.org

و فکر او را از رفتن به سوی زن های دیگر و احیانا تجدید فراش ! و تعدد زوجات! باز دارد و کمبودی در امور جنسی و خلای در امور عاطفی برای او باقی نگذارد و بداند که اگر او راه و رسم زن بودن و شیوه شوهرداری را نمی شناسد، یا در به کار بردن آنها قصور و تقصیر می ورزد، خودش در خور ملامت است و گله کردن از شرع و جنس مردها دواى درد نیست!

زنی که به فطرت و سرشت زنانه خود توجه دارد و شیوه های زن بودن را هوشیارانه و به طور طبیعی □ و نه تصنعی و فورمالیته ای □ به کار می گیرد، در زندگی موفق است و نه تنها خودش کامیاب است، بلکه شوهر را نیز کامیاب می کند و تلخی های زندگی را از جان و دل خود در زندگی خود احساس نمی کند که بخواهد از راه تبدیل به احسن! یا تکمیل! آن خلا را پر کند. قطعاً وی در مهد فرهنگ اسلامی پرورش یافته و می داند که فرمانبری یک زن مسلمان، در برابر شوهر به آشپزی و جارو کشی و لباس شویی و وصله و پینه کردن پارگی های لباس کهنه نیست که اینها مربوط به تفاهم و همکاری است، بلکه به تمکین و قنوت او در محدوده زناشویی است و این چیز کمی نیست. زنی که گام استوار خود را بر چنین قله بلندی نهاده، هم خود ایده آل است و هم شوهر رامطابق ذوق و سلیقه خود ایده آل و نمونه می سازد و هم خانواده آنها خانواده نمونه و ایده آل است.

اسلام که اصولاً حامی و پشتیبان انسانیت است و در اصلاح و تهذیب و تزکیه انسان ها برای خود □ به حق □ رسالتی عظیم قائل است، در این میدان پرخطر و فراز و نشیب، زن را بی برنامه و بدون دستورالعمل رها نکرده، بلکه حتی ریزه کاری های فوت و فن زنانه را به او آموخته است و انتظار دارد که او را در تسخیر قلب شوهر و اشباع و ارضای او کاملاً موفق بنگرد.

اسلام، شکست زنان را در شوهر داری و رونق بخشیدن به خانواده، ناپسند می داند و این شکست را نه تنها عامل بدبختی دنیوی، بلکه عامل بدبختی اخروی می شناسد.

هیچ تردیدی نیست که ناهماهنگی و اختلاف نظرها، آرامش و آسایش را از محیط مقدس خانواده می زاید و جنگ اعصاب را بر این محیط حاکم می سازد و هیچ یک از اعضای خانواده را مجال رشد و تکامل □ به طوری که باید و شاید □ نمی دهد.

جوانی از زندان به والدین خود پیام فرستاده بود که به فکر من نباشید. من هیچ گونه ناراحتی ندارم، فقط ناراحتی از جنگ و دعوای شماست. خواهش می کنم با یکدیگر تفاهم داشته باشید.

اگر خوانندگان گرامی، به خاطر داشته باشند، در زندگی زناشویی دو وظیفه برای زن و دو وظیفه برای مرد، آن هم با الهام از قرآن کریم مشخص کرده ایم.

دو وظیفه مرد، عبارتند از: نفقه و حسن معاشرت و صدالبته، مردی که این دو وظیفه را خوب انجام دهد، مرد ایده آل است و حتی خود زن ها بر این باورند که اگر مردی در تامین نفقه، صد در صد ایده آل نباشد، ولی در حسن معاشرت، ایده آل باشد، کافی است. اما دو وظیفه زن، عبارتند از قنوت و حفظ. درباره این که زن باید در غیبت شوهر، حافظ مال و ناموس او باشد، بحث کرده ایم، اما درباره قنوت، که عبارت از تمکین و اطاعت زن از شوهر است به طور جامع و کامل، بحث نکرده ایم و آنچه به اشاره نوشته ایم، کافی و وافی نبوده است.

اضافه می کنیم که مسئولیت حفظ ناموس، یک مسئولیت همیشگی و عمومی است و این فکر غلط غربی را باید به دور انداخت که: دختر تا وقتی که شوهر نکرده، در معاشرت ها و رفت و آمدها و تماس ها آزاد است. فقط وقتی شوهر کرد، آزادی او محدود می شود، این اخلاق اسلامی نیست.

زن یا دختر، اعم از اینکه شوهر داشته باشند، یا نداشته باشند، باید مظهر عفاف و احسان باشند و به هیچ وجه اجازه ندهند که مردی بیگانه، از آنها تمتع و تلذذ ببرد، زیرا در نظام اسلامی، به جز در چارچوب ازدواج و از راه مشروع، چنین اجازه ای به کسی داده نشده است.

در مساله حفظ مال نیز توصیه می کنیم که خیانت به مال هیچ فرد مسلمانی جایز نیست، منتها زن باید توجه داشته باشد که وقتی با اختیار و آگاهی، پیمان زناشویی را امضا کرد و زندگی مشترک را پذیرفت، برای شوهر یار و مددکار است و بنابراین او را در حفظ مال و ناموس کمک می کند و اسباب زحمت و دردسر نمی شود.

حتی در بعضی از روایات آمده است که :

زن بدون اذن شوهر، در اموال خودش نیز تصرف نمی کند، مگر اینکه بخواهد حج نماید، یا زکات بدهد یا به والدین و خویشاوندان خود کمک کند.

چنین اخلاقی در زندگی خانوادگی، شایسته و در خور زن نمونه و ایده آل است و این همان است که قبلاً هم گفتیم که زندگی خانوادگی به مرحله ای می رسد که فردیت و استقلال را در خود محو می کند و «من» و «تو» را به «ما» تبدیل می سازد.

اما مساله قنوت و تمکین زن در برابر شوهر، از اینها مهم تر است. اگر سایر مسائل را باید با تفاهم حل کرد، این مساله، در ایجاد تفاهم، نقش بسیار موثری دارد.

زن وقتی موجودیت واقعی خود را می تواند آشکار کند که با تمام وجود، در برابر شوهر، قانت و رام باشد و همه امکانات و شرایط را برای جلب و جذب شوهر و کشانیدن او به سوی خود فراهم سازد

خانواده در قرآن / آیت ... دکتر احمد بهشتی



شناخت

چرا حیوانات دچار سکتته‌های قلبی و مغزی نمی‌شوند؟

انسان برخلاف حیوانات قادر به تولید ویتامین B در بدن نیست، ولی حیوانات در کبد خود روزانه بین ۱۰ تا ۲۰ گرم ویتامین B می‌سازند. ویتامین B سلطان ویتامین‌ها است، و از فراورده‌های طبیعی که در اختیار انسان و حیوانات قرار گرفته تا از آن بهره برداری لازم ببرند و سلامت خود را حفظ نمایند نقش وسیع و گسترده در بدن دارد. یکی از اعمال مهم ویتامین B جلوگیری از رسوب مواد زائد بر روی دیواره‌های عروق است که وجود مقدار ویتامین B در بدن انسان و حیوان از تجمع رسوبات و گرفتگی عروق جلوگیری می‌کند. کلسترول نقش ناچیزی در ایجاد گرفتگی و عروق و سکتته‌های قلبی و مغزی دارد و صنایع داروسازی جهت کسب سودهای کلان داروهای ضد کلسترول به بازار عرضه می‌کند. کلسترول محکومی بی‌گناه است، حیوانات ده برابر انسان کلسترول خون دارد چرا مشکلی ایجاد نمی‌شود.

نقش ویتامین‌ها

نقش ویتامین خانواده B، B6، B12 و فولیک اسید در جلوگیری از رسوب مواد خطرناک در جداره داخلی عروق مؤثرند، هموسیستئین یکی از مواد بسیار خطرناک که از تجزیه اسید آمینه متیونین تولید می‌شود. اگر این سه ویتامین به اندازه کافی در بدن موجود نباشد هموسیستئین که ماده سمی و خطرناک است با وجود ویتامین B کافی در بدن به کمک B12 هموسیستئین را به ماده اولیه آن یعنی اسید آمینه متیونین برگشت می‌دهد. اسید آمینه متیونین به اسید آمینه هموسیستئین ماده حد واسط هموسیستئین که ماده سمی است نباید بیش از ۱۰ ثانیه در بدن باقی بماند. اسید آمینه متیونین به همراه اسید آمینه دیگری به نام لیزین مراحل گوناگونی را طی می‌نماید تا از آن‌ها ماده حیاتی دیگری به نام ال کارنیتین تشکیل شود. ال کارنیتین پروتئینی است که اسیدهای چرب را برای تولید انرژی به کوره‌های آتش سوزی (میتوکندری‌ها) حمل می‌کند قلب ما ۸۰ درصد انرژی لازم را برای پمپاژ خود از سوختن چربی‌ها تأمین می‌کند.

اگر سه ویتامین خانواده B به اندازه کافی در بدن وجود نداشته باشد ماده خطرناک هموسیستئین در بدن تجزیه نمی‌شود در نتیجه رسوب در جدار عروق ایجاد می‌شود و انسان در معرض سکتته‌های قلبی و مغزی قرار می‌گیرد. صنعت داروسازی باید بداند کلسترول نیست که در عروق جمع می‌شود بلکه دشمن اصلی هموسیستئین است که انسان را به سکتته‌ها مبتلا می‌گرداند. (ویتامین B که حیوانات در بدن خود می‌سازند هیچ گاه ترک‌های میکروسکوپی در جدار عروق آن‌ها به وجود نمی‌آید). ویتامین B: کلسترول زمانی خطرناک است که ویتامین B در بدن کم باشد. کاهش آن کلسترول را در معرض رادیکال‌های آزاد که دائماً در بدن ما تولید می‌شود قرار می‌دهد و آن را اکسید می‌کند. سیگار، استرس، کمبود ویتامین B زندگی ناسالم، نمونه‌ای از عوامل رادیکال‌زا هستند که می‌توانند کلسترول و چربی‌ها را در بدن اکسید نمایند. این کلسترول با چربی‌های اکسید شده در جدار دیواره عروق جمع می‌شوند آن‌ها هم در صورتی که کمبود ویتامین B ترک‌های میکروسکوپی به وجود آمده باشد اگر ویتامین B به اندازه کافی در بدن فراهم شده باشد اکسید شدن کلسترول با چربی دیگری وجود ندارد.

بزرگ‌ترین معضل سلامت

امروزه بزرگ‌ترین معضل سلامت بشر عدم توجه به نیازهای واقعی بدن و روی آوردن به مصرف غذاهای رنگارنگ و خوشمزه است که نه تنها برای سلامت فایده‌ای ندارد بلکه ضررهای زیادی نیز همراه خواهند داشت سیگار، نوشابه‌های شیرین، کم خوابی، مصرف بی‌رویه داروها، زندگی ماشینی، نداشتن تحرک لازم، استرس‌های مداوم، عدم تأمین مواد بیواکتیو مورد نیاز بدن (ویتامین‌ها و املاح ضروری) همگی دشمن سلامت و عامل کوتاهی عمر بشر امروزیند، که ساخت دست خود بشرند. علم پزشکی برای مبارزه با امراض و معالجه بیماران همیشه از سه اسلحه دارو، چاقو، و اشعه استفاده می‌کند. که به واسطه تغذیه غلط و عدم آگاهی از مواد حیاتی (ویتامین‌ها و املاح) توسط خود انسان به وجود آمده است. باید زندگی خود را تغییر دهیم و از داروهای پربرکت الهی که به طور رایگان در اختیار ما گذاشته شده است بهره برداری کنیم. عدل و لطف خداوند شامل حال تمام انسان‌هاست و این



مبتلا به سردرد شدیدی شده و مزمن و غیر قابل علاج است. ممکن است فقیر و بدون سرمایه باشید تحمل قدری دشوار است ولی سرمایه داری که فشار خون دارد حاضر است تمام سرمایه خود را با سلامتی شما معاوضه نماید. یکی را به حق یا ناحق زندانی می کنند زندان جای بدن است ولی حال چنین شخص زندانی از حال آن حضرت اشرف که به بیماری نقرس مبتلا و در بستر زندانی شده بهتر است. از آب و هوای بد - شرایط بد زندگی متأثر خواهید شد ولی حال فردی که روماتیسم دارد از حال شما تأسف آورتر است. بیماری عفونی انسان راضعیف و علیل می کند و از عمر او می کاهد و تلفاتی هم دارند، می توان با داروها جلوگیری کرد اما تلفات بیماری های عفونی از مرض چاقی کمتر بوده است. کشتار سوء هاضمه از مجموع تلفات حاصله از تمام میکروبها بیشتر است. در کشورهای مترقی خطر خیلی از بیماریها از بین رفته (سل، حصه، اسهال خونی و ...) ولی در همان ممالک متمدن همه روزه عدهای قربانی نوشیدن نوشابه های الکلی می شوند. خطر بیماری های جزام، قند خون، نقرس و روماتیسم، سفلیس و ... از خطر ابتلا به شیره ای کمتر بود. سوء هاضمه و سوء تغذیه انسان را علیل و زجر کش می کند. کسی که مبتلا به فشار خون، چربی خون، قند خون می شوند تا آخر عمر درد و رنج می کشد. امراض عفونی با غذا جلوگیری می شود. با تغذیه صحیح و خوردن غذاهای خوب و متناسب می توان از ابتلا به کلیه امراض جلوگیری کرد. فرار از خوراکی های خام و جوشانیدن اغذیه و نابود کردن ویتامین ها امراض دیگری دامن گیر می شوند. بدن انسان مانند ماشین که بنزین می خواهد آب می خواهد، روغن می خواهد ذخیره برق یعنی باطری لازم دارد. بدن انسان هم سوخت می خواهد، آب لازم دارد. مولد برق یعنی ویتامین می خواهد املاح و عناصر مفید لازم است، برای تقویت غدد ترشح کننده هورمون می خواهد. تمام اینها را طبیعت در روز اول برای شما آماده کرده و در دسترس شما قرار داده است. برای این که ماشین بدن شما مرتب کار کند شما را به خوردن لذیذترین میوه ها، خوش طعم ترین سبزی ها، بهترین و گواراترین نوشابه ها دعوت می نمایم.

غذا به جای دارو / حداد فروغی

خودمان هستیم که به خود ظلم می کنیم. و خود را درگیری امراض گوناگون می نمایم با رعایت تغذیه صحیح و زندگی سالم نیازی به داروهای شیمیایی نخواهید داشت و هزینه های گزاف به ما تحمیل نخواهد شد. هدف از زندگی سالم و عمر طولانی آن است که در هر فرد در سن صد سالگی مانند یک انسان شصت ساله به نظر برسد. علم تغذیه - اولین پزشک پدر علم طب هیپوکراتس که به بقراط معروف است حدود ۲۴۰۰ سال قبل اولین مدرسه علوم پزشکی جهان را در یکی از جزایر یونان تأسیس کرد و در آن فقط به تدریس علم تغذیه پرداخت. پیام معروف وی به انسان ها این بود غذای شما داروی شماست. سیر اشتباهی که صنعت داروسازی پیموده منجر به بی توجهی به علم تغذیه گردید، نیاز انسان روز به روز به دارو و پزشک افزایش داده شده است افزایش بیماریها تضعیف سیستم ایمنی بدن مصرف بیشتر داروها که به بدن انسان هماهنگی ندارد. در صورتی که داروهای طبیعی که همگی با غذاهای ما ترکیب شده اند جزئی از وجودی انسان را تشکیل می دهند. علم پزشکی قادر است علائم و سمپتوم های یک بیماری را برطرف کند و اصل قضیه که خود بیماری است به جای می ماند و روز به روز شاهد از دست رفتن انسانها بر اثر سکتته های قلبی و مغزی سرطانها و دیابتها هستیم بدون شک داروها معالجه کننده جوابگو نیستند.

داروهای برای درمان قطعی کلیه بیمارها

این داروها مطبوع و معطر و خوش مزه می باشند. بهای آنها از یک دهم داروهای بی فایده و زیان آوری که به نام داروهای اختصاصی به شما می فروشد کمتر است، این داروها را از خارج نمی آورند. این داروها میوه ها و سبزی هایی است که باید در فصل خودش استفاده کنید که بتوان جایگزین داروها کنیم. سالخوردگی بسته به نژاد و دسته و طبقه مخصوص نیست و با شغل و منصب هم ارتباطی ندارد فقیر و غنی هم از آن به یکسان برخوردار می شوند، سلاطین، رجال و اعیان، بازاری، اداری، کارگر، سرمایه دار، بی سرمایه، بی سواد با سواد فرقی ندارد معمر زیاد بوده و خواهد بود. عدهای طول عمر را نتیجه کم فکری یا خیال راحت و آسودگی خاطر می دانند در صورتی که این طور نیست، علما دانشمندان مخترعین افراد مسن و سالخورده زیاد هستند. مصائب روزگار هم عمر را کوتاه نمی کند، مصائب روزگار برای همه وجود دارد کسانی که بشتر عمر کرده اند بدون شک زیادتر به این مصائب دچار شده اند از دست دادن فرزندان، گرچه فقدان فرزند آسان نیست، مصائب دشوار و زندگانی را قدری تلخ می کند اما این تلخیها هیچ گاه به اندازه سوء هاضمه انسان را آزار نمی دهد داغ اولاد سخت است، ولی داغ حقیقی، زخم کفگیرک است که در بدن مبتلایان بیماری قند پیدا می شود. همه در غم فراق یاران غمگین می شوند ولی غم و اندوهی که یک نفر مبتلا به تپش قلب دارد به مراتب از مفارقت احباب زیادتر است. از دست رفتن مال آدم متألم می شود ولی تألم حقیقی را کسی دارد که سالها



گفت و گوی با خانواده مهدی قاضی خانی مدافع حرم

مهدی قاضی خانی

این دو خانواده سالها از هم بی خبر بودند تا اینکه شد آنچه باید می‌شد. فاطمه خانم روایت اولین دیدارش را با آقا مهدی که حالا دو ماهی هست در راه دفاع از حرم حضرت زینب(س) به شهادت رسیده، اینگونه تعریف می‌کند:

*یک هفته بعد از اولین دیدار آمدند خواستگاری می‌خواستیم گواهینامه رانندگی بگیریم. به همین دلیل در یک آموزشگاه ثبت نام کردم، پس از مدتی مربی‌ام گفت راستی یک آقای هم فامیلی شما اینجا هنرجو است. پرسید با هم فامیل هستین؟ چون آقا مهدی را ندیده بودم، گفتم: والا خبر ندارم.

بعد از مدتی همدیگر را اتفاقی دیدیم و شناختیم. فکر می‌کنم یک هفته بعد از اولین دیدار ما بود که با خانواده‌اش صحبت کرد بیایند خواستگاری. آن موقع تازه از سربازی برگشته بود و حدود ۲۰ سالش بود. هنوز کاری هم پیدا نکرده بود اما اصرار داشت ازدواج کند. یادمه در مراسم خواستگاری پدرم از او پرسید درآمدتان از کجاست؟ این درحالی بود که پدرش هم به او گفته بود من نمی‌توانم کمکی در مخارج زندگی بهت بکنم. اما آقا مهدی ایستاد و گفت من روی پای خودم هستم و از هر کجا که باشد نانم را در خواهم آورد.

وقتی می‌دیدم چطور با خانواده‌ام در مورد ازدواج صحبت می‌کند حالت مردانه‌اش خیلی به دلم نشست. زمانی هم که قرار شد با هم صحبت کنیم گفت: حجاب شما از هر چیزی برایم مهم تر است، دوست ندارم کسی صدای ما را بشنود قبول کردم و از او خواستم اجازه دهد تحصیلاتم را ادامه دهم که مهدی هم قبول کرد.

سال ۸۵ که رفتیم عقد کنیم یک دستخطی نوشت و خواست آن را امضا کنیم. داخل کاغذ نوشته بود دلم نمی‌خواهد یک تار موی شما را نامحرمی ببیند. من هم امضا کردم.

مادرم از این موضوع ناراحت شد و گفت این پسر خیلی سخت گیر است اما من ناراحت نشدم چون فهمیدم می‌خواهد زندگی کند. و واقعا هم زندگی با او به من مزه می‌داد.

*ماندن در این چار دیواری برایم لذت داشت تا قبل از شروع زندگی مشترک دانشگاه رفته بودم، بیرون می‌رفتم و می‌خواستیم تحصیلاتم را هم ادامه بدهم اما

به گزارش گروه جهاد و مقاومت مشرق، آنچه می‌خوانید روایت یک دلدادگی تمام عیار است. در این مرقومه عاشق و معشوق هر کدام سر جای خودشان نقش بازی می‌کنند اما شما دنبال لیلی و مجنون، بیژن و منیژه، شیرین و فرهاد، وامق و عذرا و نگردید. اینجا یک افسانه سروده نمی‌شود.

مهدی و فاطمه جوانانی با مختصات همین عصر هستند. عصری پر از آلودگی. آلودگی هوا و فضا. آلودگی یک دنیا تکنولوژی. عصری که آدم‌ها در دنیای مجازی پرستیدنی تر هستند. آدم‌هایی که باید فاصله‌تان را تا حقیقت‌شان حفظ کنید، اگر می‌خواهید قشنگ تر باشند.

این دوران، واقعی‌ها نه اینکه کمتر باشند، بی صدا و به دور از خود نمایی نفس می‌کشند و زندگی می‌کنند. اگر می‌خواهید ببینیدشان باید چشم‌ها را از تعلقات متعفن عصر جدید پاک کنید و نگاه کنید به خدا. هر جا سایه خدا باشد آنها هم منزل گرفته‌اند.

با خواندن این مطلب دنبال معجزه، نقطه خاص و چشمگیری نباشید. اینجا تیره زنان نوید یک حماسه ماندگار را سر داده‌اند.

این روایت یک زندگی معمولی است! نقش اول‌های این حماسه بچه‌های دهه شصت هستند. لیلی پرده نشین قصه ما یعنی فاطمه خانم در ۸ خرداد ۶۲ متولد شد و سال ۸۵ به عقد همسرش درآمد. بانویی که تحصیلاتش را تا مقطع کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی ادامه داد و قرار بود بعد از ازدواج نیز تحصیلاتش را ادامه دهد اما نتوانست. این نتوانستن نه از روی عجز بود و نه همسرش مخالفتی داشت. دلیل دیگری دارد که خود از زبانش خواهید خواند.

مهدی و فاطمه هر دو اهل روستای قاضی خان همدان بودند و نسبت فامیلی دوری داشتند. اما دست تقدیر خواست نسبت دور آنها بیشتر از این حرف‌ها نزدیک شود. مدتی بود خانواده مهدی به شهرستان قرچک از توابع همین پایتخت هزار رنگ مهاجرت کرده بودند که ۱۳ سال پیش شرایط خانواده فاطمه خانم هم ایجاب کرد به این شهرستان بیایند.



امید نداشتند، به همین دلیل رفتند جنگ. این درحالی است که آنها صد در صد اشتباه می کنند. مهدی بسیار به زندگی امید داشت. حتی علاقه من را به داشتن بچه‌های زیاد می دانست و برای اینکه به رفتنش راضی شوم قول داد مجدداً بچه دار شویم. به همین دلیل اناری پرک کردیم و دادیم به یک روحانی به آن دعا خواند تا بخوریم که وقتی از سوریه آمد فرزند دیگری بیاوریم. این یعنی او امید به زندگی داشت

*سرم را بر می گرداندم یک قابلمه انار دون شده بود پدر مهدی گاراژ داشت و او هم کنار پدرش امرار معاش می کرد. توانستیم با مقداری پس انداز و وام و قناعت خانه‌ای بخریم اما بعد تصمیم گرفتیم آن را بفروشیم. با پولش زمین کشاورزی گرفت، می گفت کشاورزی شغل انبیاست و این کار واجب تر است. در ذهنش بود وقتی درخت‌ها بزرگ شد یک اتاق هم همانجا بسازد تا هر وقت خواستیم برویم آنجا راحت باشیم. بیشترین درختی را هم که کاشت درخت میوه مورد علاقه‌اش «انار» بود. اینقدر انار دوست داشت که فصلش که می شد تا سرم را بر می گرداندم یک قابلمه دون شده بود. موقعی که می خواست برود بهش می گفتم: بروی من دلم برای انار دون شده‌ها تنگ میشه. الان هم انار دون شده برایش خیرات می کنم *دوست داشتیم بچه‌ها بدانند رییس خانه کیست؟

دوست داشتیم بچه‌ها را طوری تربیت کنم که بدانند رییس خانه پدرشان است. می خواستم احترام به او را خوب یاد بگیرند. ملموس تر بخواهم توضیح دهم، مثلاً اینکه دلستر که می خریدیم تا آقا مهدی درش را باز نمی کرد و از آن نمی خورد بچه‌ها نمی خوردن. این شاید در نگاه اول یک مسئله خیلی جزئی باشد اما می دانستند تا پدرشان نباشد نباید دست بزنند. این موضوعات تربیتی را از برنامه‌های تلویزیون یاد می گرفتیم. به خودم می گفتم اگر احترام به شوهر را دخترم از من یاد نگیرد از چه کسی می خواهد بیاموزد؟ و همینطور نسل‌ها بعد از او؟

دانشگاه هم که می رفتیم با اینکه رشته ام ادبیات بود اما بیشتر کتاب‌های تربیتی می خریدم. قبل از آمدن پدرشان بچه‌ها را حمام می کردم و لباس تمیز تنشان می کردم. می خواستم وقتی آقا مهدی بچه‌ها را می بیند تمیز باشند و لذت ببرد.

ادامه دارد

وقتی با مهدی ازدواج کردم و بچه دار هم شدیم آن قدر در خانه خوش بودم که دلم نمی خواست جایی بروم. تا جایی که همه می گفتند: تو چی از خونه می خواهی که چسبیدی به کنجش؟! آنقدر جو خانه‌مان را دوست داشتم که دلم نمی خواست رهاش کنم. ماندن در این چار دیواری برایم لذت داشت آنقدر که حتی تصمیم گرفتم جای ادامه تحصیل و بیرون رفتن از خانه بمانم داخل بیشتر مادر و همسر باشم

*گفت پیش خدا مسئولیتی بابت نام دخترمان قبول نمی کنم

یک سال که از زندگی مان گذشت محمد متین به دنیا آمد. نامش را با آقا مهدی با هم انتخاب کردیم. دوست داشتم وقتی بزرگ می شود مانند نامش متین و با وقار باشد. بعد از او نهال دخترم به دنیا آمد.

وقتی فهمیدیم فرزند دوممان دختر است خیلی خوشحال شدیم چون پسر که داشتیم و هر دو دختر دلمان می خواست. خب آدم دلش هم دختر می خواد هم پسر. نام نهال پیشنهاد من بود اما آقا مهدی مخالف بود و می گفت باید نام مذهبی برایش انتخاب کنیم اما من این اسم را دوست داشتم به خاطر ظرافتی که در این نام حس می کردم. یکی دیگر از دلایلی که مخالفت می کردم این بود که می دیدم اسم‌های مذهبی خوب بیان نمی شود. مثلاً برخی نام دخترشان را می گذارند نازنین فاطمه اما نازی یا نازنین صدایش می کنند. با اینکه از من اصرار بود و از مهدی انکار اما تصمیم گرفت اسمی که به دل من است روی دخترمان باشد. موقعی هم که شناسنامه را آورد همه فکر می کردند باز کنیم نامی که خودش دوست داشته ثبت کرده اما وقتی باز کردم دیدم نهال است.

شناسنامه را که داد گفت: اما بدان من پیش خدا مسئولیتی بابت این نام قبول نمی کنم. این را هم گفت که با ثبت احوال صحبت کرده تا اگر من نظرم عوض شد اسم را تغییر دهیم.

*این یعنی امید به زندگی

بعد از نهال زمانی که محمد یاسین فرزند سوممان متولد شد خیلی‌ها به آقا مهدی خورده می گرفتند که چرا اینقدر بچه می آورید؟! او هم می گفت: «چون سلامت روح و جسم داریم. هر کسی خودش می داند چند فرزند برای زندگی‌اش لازم است.»

این را داخل پرانتز لازم می دانم تأکید کنم: بعضی‌ها فکر می کنند امثال مهدی آرزویی ندارند یا دیگر به زندگی



صوفیان سلف

می دادند. اسلحه آمریکایی ها تامین می کردند و پول را سعودی ها. بنابراین بن لادن جز تامین مالی گروه های مبارز، با هدایت عزام، کارهای بزرگ دیگری هم انجام داد که مهم ترینش تاسیس پادگان های متعدد برای متشکل کردن جنگ بود. تا پیش از او جنگ در افغانستان انسجام خاصی نداشت و گروه های و دسته ها حتی افراد مختلف جدا جدا با ارتش شوروی می جنگیدند، اما بن لادن و عزام با تشکیل پادگان هایی □ از جمله پادگان صدا که ویژه آموزش اولیه ی داوطلبان پیش از اعزام به جبهه جنگ بود یا پادگان حاجی که پادگان پشتیبانی بود و با موقعیت خوب تاکتیکی بین رشته کوه ها و غارها قرار داشت تا از بمب باران شوروی در امان بماند □ به جهاد اعراب در افغانستان سر و شکل جدیدی داد و آن را از حالت فردی به جنگی سازمانی بدل کرد. اطلاعات این پادگان ها بین مسلمان و سلفی های سراسر پایتخت ها و شهرهای اسلامی رد و بدل می شد و برشمار داوطلبان در کشورهای مختلف می افزود. او در جده هم میهمان سرای بزرگی با نام بیت الانصار (انصار را از انصار الرسول گرفته اند که پیامبر را در مدینه باری کردند) ساخت تا سرعت انتقال مجاهدان را به پاکستان و افغانستان بیشتر کند.

بن لادن از ابتدای حضورش در افغانستان از آمریکا کمک های تسلیحاتی فراوانی دریافت کرده بود، اما سال ۱۳۶۵ همراه عبدا... عزام با ماموران سیا دیدار کردند و از آنها وعده ارسال محموله های بیشتر و غنی تری از اسلحه را گرفتند تا جنگ را سریع تر به پایان برسانند. بن لادن متعهد شد جنگ افزارها، مهمات، تجهیزات حفاری، بولدوزر برای راه سازی و ژنراتورهای برق را در مرز از آمریکایی ها بگیرد و با کامیون های خود به گروه های مختلف افغان و عرب افغان برساند. او توانست جنگ افزارهای پیش رفته ای چون خمپاره اندازه های ۸۲ میلیمتری، توپ های بی ام ۱۲، تیربارهای بی کا، موشک اندازه های آرپی جی، مین روب های کوچک، با انبوهی از مهمات و راکت های تهاجمی، دفاعی و پدافندی از آمریکا را بگیرد. آمریکایی ها حتی موشک ضد هوایی استینگر را (که به کمتر کشوری می دادند) به بن لادن دادند تا بال گردهای روسی را سرنگون کند. با چنین تدارکاتی سرانجام ارتش سرخ شوروی پس از هشت سال جنگ بی نتیجه در کنفرانس صلح لندن با افغانستان، پاکستان، آمریکا و رهبران گروه های جهادی افغان و عرب افغان کنار آمد و قرار شد طی هجده ماه تمامی نیروهایش را از کشور خارج کند.

علی اکبر موسایی نژاد

منابع:

| ماضی استمراری - سلفی گری در جهان اسلام از وهابیت تا القاعده

| مؤلف: سعید زاهدی |

| سایت اینترنتی www.islamquest.net |

| سایت اینترنتی ویکی پدیا fa.wikipedia.org |

اسامه عزام برای جذب نیرو، کمک مالی و حمایت سیاسی به کشورهای مختلف، از جمله ۲۶ ایالت آمریکا، سفر کرد و با تلاش او بسیاری از داوطلبان جهاد در افغانستان در آمریکا آموزش نظامی دیدند. این داوطلبان در آمریکا براساس ایده «شکست دشمن، بدون مبارزه» آموزش می دیدند. در حقیقت آنها یاد می گرفتند که چگونه با طراحی و برنامه ریزی و بدون استفاده از سلاح و با انواع روش های تروریستی از جمله خنجر زدن از پشت و خفه کردن یا خراب کاری های تروریستی، از جمله ریختن چسب در ماشین ها یا سم در آب، با دشمن مبارزه کنند. داوطلبان شصت روش متفاوت جنگ غیرمسلحانه را در آمریکا آموزش می دیدند. عزام یک موسسه انتشاراتی هم در لندن داشت و از آنجا کتاب های بسیاری در مدح و ستایش جهاد و مجاهدان چاپ و توزیع می کرد. بن لادن (که مدتی مسئول مالی دفتر او بود) نخستین بار ۱۷ روز پس از حمله شوروی با راهنمایی عزام به افغانستان رفت.

بامعرفی عزام، بن لادن با عضای جماعت اسلامی در لاهور دیدار کرد. اسامه که شدید از رفتارهای ارتش متاثر شده بود، چکی سه میلیون دلاری برای حمایت از جهادگران افغان به جماعت اسلامی لاهور داد و به عربستان که برگشت تمام فکرش کمک به مجاهدان افغان بود. او ابتدا شرکت مسافرتی پدرش را فعال تر کرد تا با سرعت و قدرت بیشتری مسلمانان را از کشورهای مختلف به پاکستان ببرد. بعد با پول خودش، خویشانش و شاهداده هایی که می شناخت امکانات و اسلحه تهیه کرد و چند ماه بعد با برخی افغان های دانشگاه و استادش، عزام، دوباره به پاکستان برگشت. آنجا از سفیر عربستان تجهیزات راه سازی و مهندسی و امکانات مالی گرفت و با آنها برای مجاهدان جاده، سنگر، تونل و بیمارستان صحرایی ساخت. اسامه مدتی را به تهیه امکانات رفاهی برای مجاهدان ادامه داد تا این که سال ۱۳۶۲ به شهر مرزی پیشاور پاکستان رفت و از نزدیک با مجاهدان افغان دیدار کرد و پنج میلیون دلار در اختیار آنها قرار داد؛ که این آغاز روابط دوستانه او با مجاهدان افغان (بعد طالبان) بود.

اسامه در پیشاور ماند و خیلی زود مسیر تمامی کاروان هایی که از کشورهای مختلف نیرو و تجهیزات به افغانستان می آوردند به پیشاور و او ختم شود. خودش می گوید «برای مقابله با روس های کافر سعودی ها من را نماینده خود را افغانستان کردند. من در منطقه مرزی پاکستان مستقر شدم. در آنجا داوطلبانی از عربستان سعودی و تمام کشورهای عرب مسلمان می آمدند و من از آنها پذیرایی می کردم. نخستین اردوگاهم را در همان منطقه ایجاد کردم که در آن افسران پاکستانی و آمریکایی داوطلبان را تعلیم



حضرت خدیجه



خدا فکر می کردم. در مورد آسمان که بدون ستون بالا قرار گرفته است و همچنین روشنی ماه و ستارگان در این افکار غرق بودم که ماه از آسمان فرود آمد و در دامن من قرار گرفت و نوری از آن ساطع می شد که چشمها را خیره می کرد. در حال تعجب و تحیر بودم که سه ستاره نورانی دیگر هم در دامنم دیدم. نور آنها نیز مرا مبهوت کرده بود. هنوز در حیرت و تعجب بودم که هانفی ندا داد و مرا با اسم خطاب کرد من صدایش را می شنیدم ولی او را نمی دیدم گفت: فاطمه مژده باد تو را به سیادت و نورانیت به ماه نورانی و سه ستاره درخشان پدرشان سید و سرور همه انسانهاست بعد از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و اینگونه در خبر آمده است.

مادر آن حضرت خواب دختر خود را اینگونه تعبیر: که ای دخترکم به زودی تو با مرد جلیل القدری که مجد و عظمت فراوانی دارد ازدواج می کنی. از او صاحب ۴ فرزند می شوی که اولین آنها مثل ماه چهره اش درخشان است و سه تای دیگر چنان ستارگانند

هنگامی که (ام البنین) به هویت خواستگار خویش پی برد، در حالیکه عرق شرم و حیا بریشانش نشسته بود، با سکوت رضایت خویش را اعلام کرد. ام البنین علیها السلام گفت: به خدا سوگند من برای حسن و حسین علیهما السلام همچون مادر دلسوز خواهم بود گروهی از مورخین بر این اعتقاد هستند که ازدواج امام علی (ع) با ام لبنین بعد از شهادت حضرت زهرا (س) بوده ولی برخی دیگر هم معتقدند که این امر بعد از ازدواج با امامه بوده است. ام البنین از حضرت علی (ع) دارای چهار پسر به نام های عباس، عبدالله، جعفر و عثمان شد. آن بانو پس از شهادت حضرت علی (ع) هرگز ازدواج نکرد.

پس از حادثه کربلا و اسارت اهل بیت امام حسین (ع) بشیر به فرمان امام زین العابدین (علیه السلام) وارد مدینه شد تا مردم را از ماجرای کربلا و بازگشت اسرای آل الله با خبر سازد، در راه ام البنین علیها السلام او را دید و فرمود: ای بشیر، از امام حسین (علیه السلام) چه خبر داری؟ بشیر گفت: ای ام البنین، عباس تو کشته شد. ام البنین علیها السلام فرمود: از امام حسین (علیه السلام) مرا خبر ده فرزندان من و آنچه در زیر آسمان است، فدای حسینم باد! و چون بشیر خبر شهادت آن حضرت را به او داد صیحه ای کشید و گفت:

ای بشیر، بند دلم را پاره کردی! و صدا به ناله و شیون بلند کرد.

این بانوی بزرگوار سرانجام در سیزدهم جمادی الثانی و در سال ۶۴ ام البنین علیها السلام وفات کرد و بنا بر قول مشهور در قبرستان بقیع دفن گردید.

به مناسبت سالروز تخریب بقیع در پی آن شدیم تا مروری کوتاه بر زندگی یکی از بانوان با فضیلت مدفون در بقیع، حضرت ام البنین (مادر بزرگوار حضرت عباس) داشته باشیم نام این بانوی بزرگوار فاطمه می باشد. پدر ایشان حزام بن خالد بن ربیع و مادر ایشان.

مادر او ثمامه از خانواده سهل بن عامر بن مالک بن جعفر بن کلاب می باشد

تاریخ گواهی می دهد که پدران و داییهای ام البنین علیها السلام در دوران قبل از اسلام جزو دلبران عرب محسوب می شده اند و مورخان آنان را به دلیری و جلالت در هنگام نبرد ستوده اند. افزون بر این، آنان علاوه بر شجاعت و قهرمانی، سالار و بزرگ و پیشوای قوم خود نیز بوده اند، آنچنان که سلاطین زمان در برابرشان سر تسلیم فرود می آورده اند

پس از آنکه امیر المومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) به سوگ سرور زنان عالمیان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ولایت و امامت نشست، برادرش عقیل بن ابی طالب علیهما السلام را که آشنا به انساب عرب بود، فرا خواند و از او خواست برایش همسری از تبار دلاوران برگزیند تا پسر دلیری برای مولا به ارمغان آورد حضرت عقیل (علیه السلام)، ام البنین کلابیه علیها السلام را برای حضرت علی (علیه السلام) برگزید که قبیله و خاندانش، بنی کلاب، از حیث شجاعت و دلاوری در میان عرب زبانزد بودند و قتی عقیل (علیه السلام) به خواستگاری ام البنین علیها السلام آمد با حزام بن خالد، پدر او، در این باره صحبت کرد و حزام با کمال صداقت و راستگویی گفت: شایسته امیر المومنین علی بن ابی طالب یک زن بادیه نشین با فرهنگ ابتدایی بادیه نشینان نیست. او با یک زن که فرهنگ بالاتری دارد باید ازدواج کند و این دو فرهنگ با هم فرق دارد.

ولی عقیل درباره خواست خود پافشاری کرد .. پدر ام البنین علیها السلام از عقیل (علیه السلام) مهلت خواست تا از مادر دختر، و خود دختر سوال کند.

حضرت ام البنین قبل از خواستگاری مولا از ایشان خوابی دیده بود که برای مادر خود تعریف کرد. مادر خواب دیدم که در باغ سرسبز و پر درختی نشسته ام. نهرهای روان و میوه های فراوان در آنجا وجود داشت. ماه و ستارگان می درخشیدند و من به آن ها چشم دوخته بودم و درباره عظمت آفرینش و مخلوقات



کلام خدا

در آیه ۶۴ سوره یونس گفته شده: کلام الهی دگرگون نمی شود، حال آنکه در آیه ۱۰۱ سوره نحل بیان شده که خداوند بعضی آیات را با بعضی دیگر عوض نمی کند. معلوم نشد کلام خدا تغییرپذیر است یا تغییر ناپذیر. جواب: موضوع این دو آیه کاملا متفاوت است و با کمی دقت در آیات ذکر شده می توان تفاوت موضوع را درک کرد، اما اشکال کننده که گویا حرص خاصی بر گرفتن اشکال از آیات قرآن داشته، از تفاوت موضوع در این دو آیه کاملا غافل شده است.

آیه ۶۴ سوره مبارکه یونس: «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» یعنی مومنین در زندگی دنیا و در آخرت شاد و مسرورند، وعده های الهی تخلف ناپذیر است و این رستگاری بزرگی است.

منشاء اشتباه اشکال کننده: اشکال کننده گمان کرده که منظور از «تبدیل» آیه را بدل از آیه ای آوردن است و همچنین گمان کرده که منظور از «کلمات...» آیه های قرآن است و نتیجه گرفته که هیچ وقت آیه ای از آیات قرآن حکمش تبدیل نمی شود و به اصطلاح علمی هیچ وقت آیه ای از آیات قرآن نسخ نمی شود و این با آیه ۱۰۱ سوره مبارکه نحل که در مورد نسخ آیات سخن می گوید، در تضاد است!

همچنانکه مشاهده می فرمائید: منظور از «تبدیل» تخلف ناپذیری و منظور از «کلمات...» وعده های خداوند است. بنابراین معنای آیه این است که؛ وعده های الهی تخلف ناپذیر است. اگر اشکال کننده به مفهوم آیه که در مورد بشارت دنیوی و اخروی است کمی دقت می کرد، می فهمید که معنای واژه های «تبدیل» و «کلمات...» چیست اما ظاهرا بنا فقط گرفتن اشکال بود نه دقت در آیه.

و اما آیه ۱۰۱ سوره مبارکه نحل: «وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» یعنی هنگامی که آیه ای را به آیه دیگر تبدیل کنیم - و خدا بهتر می داند چه حکمی را نازل کند مشرکین می گویند تو افترا می بندی و کلامی را از خودت به نام خدا به مردم عرضه می کنی! اما اکثر آنها (حقیقت) را نمی دانند.

خلاصه آنکه: موضوع مطرح شده در دو آیه کاملا متفاوت است، در آیه ۶۴ سوره مبارکه یونس به عدم تخلف پذیری وعده های الهی اشاره شده و در آیه ۱۰۱ سوره مبارکه نحل به مساله تغییر پذیری و نسخ آیات قرآن اشاره شده است. با این بیان تناقضی در کار نیست. و در آخر ... سخنی کوتاه در باب نسخ

نسخ در لغت و اصطلاح: کلمه نسخ از ریشه ن س خ به معنای از بین بردن چیزی و گذاشتن چیزی دیگر به جای آن است.

وقتی خورشید بالا می آید، کم کم سایه از بین می رود، در کلام عرب در این مورد می گویند: «نَسَخَتِ الشَّمْسُ الظِّلَّ» یعنی خورشید سایه را نسخ کرد (یعنی سایه را از بین برد و نور خود را به جای او گذاشت) در بحث ارث که از ابواب فقهی است، بابی داریم به نام «مناسخات ارث» که برای وارثی که از دنیا رفته و دیگری جای او را در بهره بردن از ارث گرفته، به کار می رود. برای مثال: پدر خانواده ای از دنیا می رود و چهار پسر دارد، قبل از اینکه این چهار پسر ارث را تقسیم کنند، یکی از آنها از دنیا می رود و فرزندان او به جای او وارث می شوند (یعنی در اینجا یک نفر رفت و فرد یا افرادی دیگر به جای او جایگزین شدند).

کلمه «تناسخ» که زیاده شنیده ایم نیز از همین ریشه است. تناسخ یعنی به هنگام مرگ جسم از بین می رود و روح به بدن دیگری می رود و به اصطلاح بدن جدید جایگزین بدن قبلی می شود.

معنای اصطلاحی نسخ: گاهی خداوند متعال به اقتضای جامعه حکمی از احکام الهی را به صورت موقت صادر کرده و بعد از اینکه زمان آن حکم تمام شد، خداوند آن حکم را از بین برده و به جای آن حکم جدید را صادر فرموده است و این بسان دارویی است که برای درمان دردی داده می شود و بعد از مدتی پزشک استفاده از آن دارو را ممنوع می کند و دستورات جدید را می دهد.

نسخ مخصوص اسلام نیست بلکه در میان هر یک از ادیان الهی مرسوم بوده است و خداوند به مقتضا و مصلحت جامعه، حکم جدیدی را صادر فرموده است. علاوه بر این، معمولا با آمدن هر پیامبری احکام پیامبر قبلی نسخ و احکام جدید جایگزین می شد.

محدوده نسخ در شرایع الهی: ادیان و شرایع الهی از دو بخش اصول و فروع دین تشکیل شده اند. اصول ادیان الهی هیچ گاه نسخ نشده اند یعنی مثلا حضرت عیسی علیه السلام نیامده است که بگوید اصولی که حضرت موسی آورده است باطل است و من اصول جدیدی را آورده ام بلکه حضرت عیسی احکام جدیدی در حیطه فروع دین آورده است و همچنین پیامبر اکرم اصولی که حضرت عیسی مطرح کرده است را باطل نشمرد بلکه احکام جدیدی را برای مردم آورد تا دین عیسی و بلکه تمام ادیان قبلی را کامل کند. بنابراین، نسخ تنها در محدوده احکام فقهی و فروع دین است.



شبانہ در عالم رؤیا از جانب حق تعالی به مالک دینار گفتند: بدن بنده ما را بردار و پس از غسل و کفن در گورستان صالحان و پاکان دفن کن. عرضه داشت و از گروه فاسقان و بدکاران است، چگونه و با چه وسیله مقرب درگاه احدیت شد؟ جواب آمد: در وقت جان دادن با چشم گریان گفت:

یا مَنْ لَهُ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةُ اِزْحَمْ مَنْ لَیْسَ لَهُ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةُ.

«ای که دنیا و آخرت از اوست، رحم کن به کسی که نه دنیا دارد نه آخرت.»

مالک! کدام دردمند به درگاه ما آمد که دردش را درمان نکردیم؟ و کدام حاجتمند به پیشگاه ما نالید که حاجتش را برنیاوردیم؟

مجموعه ای از نکته ها و داستان های کتب
استاد حسین انصاریان / مرکز علمی تحقیقاتی
دارالعرفان

بیچاره خشک

گروهی از شاگردان امام صادق (ع) گرد شمع وجود آن حضرت، حلقه زده بودند، امام دید یکی از دوستانش به نام (عمر بن مسلم) در میان آن ها نسیت، جوایس حال او شد، عرض کردند: (او مدتی است ترک تجارت کرده و تنها در محل خویش مشغول عبادت شده است. امام فرمود: وای بر او،، ایای نمی داند کسیکه تلاش برای کسب معاش را ترک کند، دعایش به استجابت نمی رسد. سپس فرمود: در عصر پیامبر (ص) وقتی آیه ۲ و ۳ سوره طلاق نازل شد (وَمَنْ یَّتَّقِ اللَّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۚ وَیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ... ۲۳) و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن از مشکلات و تنگناها را قرار می دهد. و او را از جایی که گمان نمی برد روزی می دهد)

عده ای درها را بستند و رو به عبادت آوردند و گفتند: خداوند عهده دار روزی ما شده است. وقتی پیامبر (ص) از جریان آنها آگاه شد، شخصی را نزد آنها فرستاد که چرا مشغول چنین عبادتی شده اید، پیامبر (ص) فرمود: کسی که چنین کند، دعایش مستجاب نمی شود، بر شما باد به کوشش برای تحصیل معاش.

داستان دوستان / محمد مهدی اشتیاردی

آب په آسیاب دشمنی

زمان شاه قاجار بود، حکومت عثمانی، بزرگترین حکومت اسلامی در جهان به شمار می آمد، که پایتخت این حکومت، استامبول ترکیه است. در کنار سفارت حکومت عثمانی در تهران مسجد کوچکی وجود داشت، امام جماعت امن مسجد (یا یکی از نماز خوان های آن مسجد) می گفت: روزه خوانی را دیدم که هر روز صبح به مسجد می آمد و روزه حضرت زهرا را می خواند، و به خصوص به خلیفه دوم، ناسزا می گوید. روزی به او گفتم: تو چرا هر روز همین روزه را می خوانی؟ مگر روزه دیگری بلد نیستی؟ او جواب داد: روزه دیگر می دانم، ولی من یک نفر بانی دارم روزی پنج ریال به من می دهد و می گوید همین روزه را با این کیفیت بخواند، و خصوصیات بانی و محل او را گفت. من پیگیری کردم، دیدم بانی، یک نفر کاسب است. جریان را به او گفتم، او گفت: شخصی روزی دو تومان به من می دهد، تا در آن مسجد، چنین روزه ای خوانده شود، پنج ریال آن را به روزه خوان می دهم، و پانزده ریال آن را خودم بر می دارم. موضوع را پیگیری کردم، تا سرانجام معلوم شد که از طرف سفارت انگلیس روزی ۲۵ تومان برای این روزه خوانی (برای ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی و سپس ایران و حکومت عثمانی) داده می شود، که پس از طی مراحل و دست یه به دست گشتن، پنج ریال برای آن روزه خوان بیچاره می ماند. باید متوجه بود که دشمنان، این چنین سو استفاده نکنند، و ما ناخود آگاه، جز مزدوران آنها قرار نگیریم و آب به آسیاب دشمن نریزیم.

داستان دوستان / محمد مهدی اشتیاردی

کدام دردمند را در میان نگرده ام

ملا فتح الله کاشانی در تفسیر «منهج الصادقین»، و آیت الله کلباسی در کتاب «انیس اللیل» نقل کرده اند: در زمان مالک دینار جوانی از زمره اهل معصیت و طغیان از دنیا رفت؛ مردم به خاطر آلودگی او جنازه اش را تجهیز نکردند، بلکه در مکان پستی و محل پر از زباله ای انداختند و رفتند.





آشنایی با برخی از واحدهای موسسه



واحد وام موسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران

واحد وام موسسه اسوه تهران به منظور احیاء سنت وام قرض الحسنه، صندوق وام از سال ۱۳۸۵ شروع به فعالیت نموده که تاکنون بیش از ۱۰۰۰ نفر عضو این صندوق می‌باشند که به حمدا... و با کمک شما خیرین محترم دستاوردهای قابل توجهی را به دنبال داشته است. این تسهیلات در اموری نظیر ازدواج جوانان، سرمایه اشتغال، تجهیزات مسکن و ... اختصاص یافته است که مبالغ آن در قالب وام‌های ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۳۰ میلیونی بوده است.

این واحد تصمیم به افتتاح وام ۱۰، ۳۰ و ۵۰ میلیونی در سال ۹۸ را نیز دارد تا با توکل به خدا و یاری شما خیرین محترم بتوانیم بخشی از مشکلات هموعان خویش را حل کنیم.

واحد وام موسسه توانسته با مشارکت شما همراهان همیشگی از ۸۵ تا خرداد ماه سال ۹۸ به ۱۰۴۴ نفر به میزان ۱۱۱,۶۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال وام پرداخت نماید.

واحد آموزش موسسه اسوه تهران، با هدف ایجاد بستر مناسب و یک محیط قرآنی و مطمئن و در راستای ترویج تعالیم و فرهنگ غنی قرآن کریم، گسترش فرهنگ معارف والای نهج‌البلاغه و تربیت جامعه‌ی علوی در رده‌های سنی مختلف و فراهم کردن بستری برای آموزش دوره‌های هنری بیشتر از ۱۰ سال، شروع به فعالیت کرده است.

این واحد با پتانسیل‌های موجود توانسته است در حوزه‌های مختلف قرآنی-هنری-رسانه‌ای و ... که به شرح ذیل است فعالیت نماید:

- دوره شرح تجزیه‌ای نهج‌البلاغه با محوریت آشنایی با برجسته‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه (متقین، شقشقیه و ...)

- دوره آموزشی «سواد رسانه‌ای» با رویکرد «توانمندسازی خانواده بزرگ موسسات قرآنی»

- دوره حفظ و تفسیر سوره‌های پنج‌گانه (واقع‌الرحمن-یس-حشر-تبارک)

- دوره آموزشی تریکو بافی مقدماتی و پیشرفته
- ...

راه‌های ارتباطی با موسسه قرآن و عترت اسوه تهران

آدرس: خیابان کارگرجنوبی - پایین‌تر از چهارراه لشکر - روبروی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی - کوچه شهید علی غیاثوند
قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

کانال تگرام و اینستاگرام:
www.osveh.org

پایگاه اینترنتی:
www.osveh.org

سردبیر: سرکار خانم زهرابادی

گروه تحریر: واحد پژوهش موسسه قرآن و عترت اسوه تهران

شماره تلفن: ۵۵۴۸۲۰۲۵ - ۵۵۳۹۰۱۲۰

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا، امام خمینی رحمه‌الله علیه

